

افتخار است. ولی من معتقدم که بزرگان ما بخصوص برادران روحانی باید توجه داشته باشند که ما بدون تشکیلات وبدون تحزب نمی توانیم کارهایمان را سامان دهیم و برای حکومت خود را آماده کنیم ودکتر بهشتی از جمله افرادی بود که از همان ابتدا دید تشکیلاتی داشت و گاهی اوقات که با ما صحبت می کرد، توضیح می داد که مثلاً تشکیلاتی که در ایران به وجود آمده‌اند، فلان اشکال و مشکلات را دارند و بعد هم مبتنی بر اسلام نبوده است ومن به یاد دارم یک بار که سیر احزاب را بررسی می کردیم، رسیدیم به نهضت آزادی وفرمود: «نهضت آزادی اگرچه از افراد مسلمان و متدینی تشکیل شده است اما وقتی



آدم برنامه هایش را می خواند، هدف هایی را که برنامه ریزی کردند، آن هدف هایی نیست که ما در اسلام دنبال می کنیم.» به همین دلیل احساس می کرد که خلاّ مهمی در این رابطه وجود دارد وتشکیل حزب جمهوری اسلامی به خاطر پرکردن این خلاّ بود وافرادی هم که در حزب جمهوری اسلامی جمع شدند واقعاً مجموعه جامعی از همه نیروها بود، از دانشگاهیان بودند که من بودم وشهید دکتر عباسپور بود واز برادران بازار، کارگر، رسانه و... از همه گروه ها واقشار جامعه بودند ویک مجموعه با سابقه مبارزاتی وتدین دور هم جمع شدند واین حزب راتشکیل دادند.

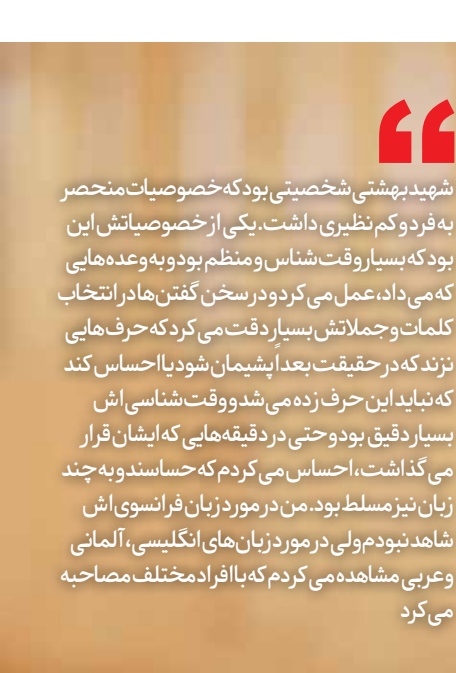
■ **شهید بهشتی توفیقات گسترده‌ای داشت؛ علل موفقیت ایشان را در عرصه مدیریتنی چگونه تحلیل می کنید؟**

شهید بهشتی شخصیتی بود که خصوصیات منحصر به فرد و کم نظیری داشت. یکی از خصوصیاتش این بود که بسیار وقت شناس ومنظم بود وبه وعده هایی که می داد، عمل می کرد ودر سخن گفتن ها در انتخاب کلمات و جملاتش بسیار دقت می کرد که حرف هایی نزنند که در حقیقت بعدا پشیمان شود یا احساس کند که نباید این حرف زده می شد ووقت شناسی اش بسیار دقیق بود و حتی در دقیقه هایی که ایشان قرار می گذاشت، احساس می کردم که حساسند وبه چند زبان نیز مسلط بود. من در مورد زبان فرانسوی اش شاهد نبودم ولی در مورد زبان های انگلیسی، آلمانی وعربی مشاهده می کردم که با افراد مختلف مصاحبه می کرد. به نظر من ایشان علاوه براینکه شخصیت باسواد ومسلسط به چند زبان خارجی بود ودر فلسفه وفقه اسلامی شخصیت مجتهد وبرجسته‌ای بود، انسان بسیار منظم، وفادار به وعده هایش ومعتقد به کار دسته جمعی وتشکیلاتی بود، خصوصیتی که کمتر می توان جمع آن را پیدا کرد، البته تمام کسانی که مؤسس حزب جمهوری اسلامی بودند دارای این خصوصیت بودند، ولی ایشان از همه بیشتر نمود داشت.

■ **معمولاً احزاب به کادر سازی برای اداره کشور می پردازند و برای نقش های کلیدی نامزد حزبی معرفی می کنند. چرا در اولین انتخابات ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی یک نامزد حزبی نداشت و چرا شهید دکتر بهشتی نامزد انتخابات نبود؟**

اتفاقاً یکی از چیزهایی که در شورای مرکزی حزب بحث کردیم، این بود که دکتر بهشتی کاندیدا شود و دو چیز مانع این کار شد؛ یکی این ذهنیت بود که نظر امام این بود، در دوره اول بهتر است که روحانیت وارد صحنه نشوند. البته در صحت وسقم این موضوع نمی توانم الان بحث کنم، ولی به هر حال این ذهنیت شایع شد، به گونه ای که

ما بعدها به این نتیجه رسیدیم که نظر امام را اجرا کنیم وخود دکتر بهشتی بیشتر از هر کس دیگری معتقد به تبعیت از دیدگاه های امام بود. مسأله دیگر که مطرح شد، برخی در شورای مرکزی می گفتند چون خیلی علیه ایشان جوسازی وشخصیت شان را تخریب کرده‌اند، بهتر است فرد دیگری انتخاب شود وبعد منجر به این شد که جلال الدین فارسی را به عنوان کاندیدا مطرح کرد واز آن طرف هم دکتر حبیبی و بنی صدر آمدند و آقای طباطبایی آمد، ولی بعدها مشکلی برای آقای فارسی ایجاد شد و آن اصالت وملیت ایشان بود وتأکید امام این بود که برای بار اول که رئیس جمهور انتخاب می شود، نباید این شائبه



ایجاد شود که قانون اساسی اجرا نمی شود واین بود که حزب جمهوری اسلامی کاندیدای مستقلی را معرفی نکرد.

■ **چرا در برابر این تخریب گسترده که اشاره کردید، واکنشی نشان داده نمی شد؟**

خاطرهای برای شما بگویم و آن اینکه یک روز در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی تعدادی از اعضا به ایشان اعتراض کردند که چرا شما پاسخ این تهمت ها را نمی گوید یا لاقل به ندرت جواب می دهید وجواب ایشان برای من درخور توجه ومهم بود. ایشان فرمودند، ما بالاخره باید در شورای انقلاب حضور پیدا کنیم و مسئولیت های مختلفی داریم ودر حزب جمهوری اسلامی هستیم و باید این امور را رتق وفتق کنیم واگر قرار باشد که به همه تهمت ها پاسخ بگویم، باید تمام وقتمان را برای پاسخگویی به آنها بگذاریم، ما با خدا تقسیم کار کردیم که به امور مملکت می پردازیم وخدا خودش جواب آنها را خواهد داد واقعاً خداوند پاسخ ایشان را خوب داد، ایشان می خواستند به عنوان یک چهره منفور وضد انسانی معرفی شوند ولی به عنوان محبوب ترین چهره در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رسید وماندگار شد.

■ **یکی از اصلی ترین گروه های مخالف ایشان، سازمان مجاهدین خلق بود وایشان از قبل از انقلاب با انحرافات این سازمان آشنا بود. مواجحه ایشان در حزب جمهوری اسلامی با این سازمان چگونه بود؟**

من معتقدم که شهید بهشتی همیشه دنبال جذب بود، مگر اینکه این راه بسته می شد و راهی برای جذب وجود نداشت وهمیشه هم به اینها وسایر گروهک ها وحتی گروهک هایی که غیر اسلامی هم بودند وحتی ظاهر مسلمانی هم نداشتند مانند چریک های فدایی، همیشه با اینها که صحبت می کرد، می گفت بروید وبنشینید ومجدداً بررسی وتجزیه وتحلیل کنید ومتون دینی را مورد مطالعه قرار دهید وببینید چه کار می کنید. من ایشان را شخصیتی نمی دیدم که بخواهد در مورد گروهی پیشداوری کند واز پیش تصمیم بگیرد که باید اینها حذف یا از بین بروند.

■ **به نظر حضرت تعالی رآفت ومهربانی ایشان بود که باعث نفوذ منافقین شد؟**

خیر، بالاخره این زمینه تجزیه وتحلیل باید پیش می آمد ومنافقین باید چهره واقعی خودشان را نشان می دادند که باید به آنجا برسد که منافقین حذف شوند.

البته حادثه هفتم تیر از چند جهت حادثه خیلی بزرگی بود؛ یکی اینکه روح ذالت ها وتخریب های منافقین ودشمنان دکتر بهشتی و

دشمنان امام وانقلاب بود و آنچنان شخصیت ایشان را تخریب کرده بودند و آنچنان برای تخریب شخصیت ایشان برنامه ریزی می کردند که گاهی اوقات ما احساس ضعف می کردیم که در این رابطه باید چه کار کرد ومن به یاد دارم که حتی کار را به جایی رسانده بودند که در آخرین روزهای قبل از شهادتش، دفاع از دکتر بهشتی کار مشکلی شده بود.

جریان بنی صدر و آن فتنه بزرگ از یک طرف ومنافقین از طرف دیگر وسایر گروهک ها هم از یک طرف کارشان شده بود حمله ومورد حمله قرار دادن حزب جمهوری اسلامی ودکتر بهشتی وخداوند واقعاً دکتر بهشتی را دوست داشت؛ به خاطر اینکه حادثه هفتم تیر بود که در زمانی که می خواستند بهشتی را به صورت یک شخصیت منفور ودر حقیقت ضد ملی معرفی کنند، به عنوان محبوب ترین شخصیت جمهوری اسلامی مطرح ودر تاریخ ما ماندگار شد. البته همه شهدا ماندگار شدند ولی این شهدا خصوصیات دیگری هم داشتند مانند شهید عباسپور، شهید اسلامی و... که انسان های بزرگ وشریفی بودند ومن تقریباً همه آنها را می شناختم وبسیاری از آنها عضو شورای مرکزی حزب بودند. در حقیقت عدم شهادت ما هم خود دکتر بهشتی بود، در این جلسه ای که حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد، من هم باید شرکت می کردم ولی دکتر بهشتی همزمان با این جلسه، باید در جلسه دیگری هم شرکت می کرد که در رابطه با مسائل اقتصادی در سازمان برنامه وبودجه بود، ولی چون گرفتار بود، فرمود که به جای من بروید ودر این جلسه شرکت کنید ودرست این جلسه مقارن با جلسه حزب جمهوری اسلامی بود که شامل وزرا ونمایندگان ومسئولان کشور بود ومن هم به خاطر دستور ایشان مجبور شدم در آن جلسه غیبت کنم وننوانستم به درجه رفیع شهادت برسم وخداوند خواست که ما زنده بمانیم.

البته در حادثه حزب جمهوری اسلامی دو نفر بودند با من نسبت داشتند که در حادثه هفتم تیر یکی شان به شهادت رسید ویکی هم بشدت مجروح شد. یکی برادر همسر بنده، شهید دکتر عباسپور که عضو شورای مرکزی حزب هم بود وبه شهادت رسید ویکی هم باجناق بنده مرحوم علیزاده بود که بشدت مجروح شد ودر قسمت های مختلف حزب جمهوری اسلامی به ما کمک می کرد.

■ **شما چگونه از این فاجعه باخبر شدید؟**

بنده در آن روز بعد از جلسه ای که در برنامه وبودجه داشتیم وتمام شد، مستقیم رفتم دفتر نخست وزیری نزد شهید رجایی که ملاقاتی با ایشان داشتم واز آنجا رفتم منزل که وقتی رسیدم منزل ۵ دقیقه بعد تلفن زنگ زد که یک انفجار در حزب جمهوری اسلامی اتفاق افتاده وبه محض اینکه این را شنیدم، بنده جا خوردم ومی دانستم که جلسه مهمی بود ومادر خانم من هم آنجا بود وگفت چی شده؟ گفتم: این اتفاق افتاده. من وهمسرم ومادر خانمم، هر سه به سمت مکان حزب راه افتادیم واز آنجا رفتم بیمارستان که الان اداره ای شده است ودکتر منافی را دیدم که لیست شهدا را داشت وبه من نشان داد وسراغ علیزاده را گرفتم، گفتند که مجروح شده است وسراغ دکتر عباسپور را گرفتم، گفتند که باید بروید به بیمارستان سینا، وقتی رفتم آنجا، متوجه شدم که ایشان به شهادت رسیده وشب تأسف برانگیزی بود برای ملت ایران وتمام دوستداران نظام وانقلاب.

به یاد دارم بعد از شهادت ایشان آن موقعی که رفتم حزب جمهوری اسلامی من شاهد حضور کسانی از حزب بودم که توبه و استغفار می کردند واز ما عذر خواهی می کردند ومی گفتند ما از کسانی بودیم که علیه بهشتی صحبت کردیم والان احساس گناه وپشیمانی می کنیم ونمی دانیم چه کار کنیم واین، نشان دهنده این بود که اینها فضایی ایجاد کرده بودند که تشخیص حق وباطل بسیار مشکل بود.

■ **ونگته آخر؟**

من فکر می کنم یکی از چیزهایی که جوانان نسل سوم باید به آن توجه کنند مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی است وحوادث بزرگی که در تاریخ انقلاب اسلامی رخ داده است، یکی از آنها همین حادثه هفتم تیر بوده است واصولاً تاریخ حزب جمهوری اسلامی وهشت سال دفاع مقدس ومسائلی از این قبیل وگروهک های منافقین که در مقابل انقلاب قد علم می کردند تافتنه بنی صدر که جنگ مسلحانه ای به وجود آمد. اگر جوانان ما با تاریخ انقلاب آشنا باشند، می دانند که دستاوردهای این انقلاب آسان به دست نیامده وچه خون های مقدسی که به پای آن ریخته شده وصدها هزار شهید که در دفاع مقدس وانقلاب از دست رفتند واینها در حقیقت هزینه ای است که این انقلاب کرده برای به دست آوردن این استقلال وآزادی واگر جوانان ما با این انقلاب آشنا باشند، به همین سادگی کسی نمی تواند آنها را نسبت به انقلاب بدبین کند. بنابراین یکی از وظایف همه نهادها وحوزه های فرهنگی آشنا کردن نسل های آینده با این دستاوردهای بزرگ است.

“

شهید بهشتی همیشه دنبال جذب بود، مگر اینکه این راه بسته می شد و راهی برای جذب وجود نداشت وهمیشه هم به اینها وسایر گروهک ها وحتی گروهک هایی که غیر اسلامی هم بودند وحتی ظاهر مسلمانی هم نداشتند مانند چریک های فدایی، همیشه با اینها که صحبت می کرد، می گفت بروید وبنشینید ومجدداً بررسی وتجزیه وتحلیل کنید ومتون دینی را مورد مطالعه قرار دهید وببینید چه کار می کنید

ویژه نامه

چهل و یکمین

سالروز انفجار

تروربستی

دفتر حزب

جمهوری اسلامی

ایران